

## آیا حضور در انتخابات به سود منافع و مصالح ملی است؟

از شرایط جهان شمول یک انتخابات آزاد، آزادی قلم و بیان و رسانه‌ها و همچنین وجود احزابی برخاسته از میان مردم است که آزادانه فعالیت کنند.

هنگامیکه از انتخابات در ایران سخن گفته می‌شود می‌بینیم ابتدایی ترین شرایط در جامعه ما حاکم نیست و دیگر آنکه وسایل و لوازم قانونی آنهم با برگزاری یک انتخابات مردمی هماهنگی ندارد. امروز بحث از انتخابات رییس قوه مجریه به نام رییس جمهور است که برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی از اختیارات محدودی برخوردار است و شخص اول مملکت نیست و تصمیمات او نه قطعی است و نه لازم الاجرا.

از سوی دیگر با وضع مقررات نظارت استصوابی که همه کاندیداها باید از آن عبور کنند امکان حضور داوطلبان مستقل وجود ندارد. در انتخابات فعلی که کمتر از دو ماه به آن مانده است مثل همیشه دگراندیشان اجازه فعالیت نیافته اند. به نظر می‌رسد این انتخابات نیز چون انتخابات در سه دهه گذشته باشد و با نگاهی به صحنه انتخابات حضور دو جناح حاکمیت یکی اصولگرایان و دیگری اصلاح طلبان مشخص است یکی از اولین کاندیداها ریاست جمهوری آقای خاتمی بود که به صحنه نیامد و تحت تاثیر فشارها و جریانات مهم از صحنه خارج شد و جای خود را به آقای میر حسین موسوی نخست وزیر دهه ۶۰ داد. یادآوری دهه شصت و زندانها و اعدامهای آن نشانگر دوران بس تاریک از زندگی مردم ماست. از کاندیداهای دیگر آقای کروی است که در دوران ریاست مجلس خود سابقه اطاعت محض دارد و در مقابل این دو کاندیدا رییس جمهور فعلی که می‌گویند قطعاً کاندیداتوری خود را اعلام می‌کنند ولی چون از همه امکانات دولتی و غیر دولتی به میزان بالایی بهره می‌برد و استفاده خواهد کرد اکنون با چراغ خاموش در حرکت است. دوره چهار ساله ریاست جمهوری ایشان را هم شاهد بوده ایم. دورانی که در آن کشور ایران به انزوای کامل سیاسی در صحنه بین المللی درآمد دورانی که تورم و نداشتن برنامه ملی صحیح اقتصادی مردم ایران را فقیرتر از گذشته کرد و بسیاری از قشرهای جامعه به زیر خط فقر سقوط کردند. در چهار سال اخیر سرکوب حرکتهای صنفی و سندیکایی، کارگران و معلمین افزایش روزافزون داشته است. زنانی که برای تساوی حقوق خود با مردان با نوشتن نامه معترضند به خاطر یک امضا بازداشت و حتی در مهمانی‌های کمتر از ده نفر هم تامین ندارند و برخورد با دانشجویان، زندانی کردن و اخراج آنان داستان روزمره شده است.

کاندیداها اصلاح طلب تقبل نشدن در انتخابات را باور ندارند و بعضی خواستار اصلاحاتی در قانون نظارت استصوابی هستند و اشاره‌ای هم به ناکارآمدی قانون اساسی دارند. پیشنهاد کمیته‌ای برای نظارت داشتند که شورای نگهبان نپذیرفت. نقض حقوق بشر در ایران با بازداشت‌های روزنامه نگاران، معلمان، دانشجویان و زنان از مشخصات اصول گرایان است و با توجه به سالهای قدرت داشتن اصلاح طلبان و اصول گرایان ملت ما می‌داند که اینان دو روی یک سکه اند و برای مصلحت حاکمیت است که گروهی و یا جناحی جای خود را به دیگری می‌دهد اصلاح طلبان زمینه ساز قدرت اصول گرایان و بالعکس است حال این یا مردم ایران است که با آنچه به نام انتخابات جریان دارد به آینده ایران بیایندیشند که آیا با شرایط حاکم بر ایران و قوانین موجود آیا می‌توان با شرکت در انتخابات در سرنوشت خود تأثیر داشت یا خیر؟ آیا حضور مردم در صحنه انتخابات به سود منافع ملی و مصالح ملی است و یا با آنچه موجود است تنها گرم کردن بازار است تا جناحی از حاکمیت از آن بهره‌ای داشته باشد؟ در آینده باز هم در این مورد با شما گفتگو خواهیم کرد.

## ۱۲ فروردین سالروز درگذشت الهیار صالح یادی از آزاده مردی نیکنام و صالح

در هر جامعه‌ای با تناسب فرهنگ و معتقدات زمان، مردان و زنانی به سبب داشتن صفات برجسته معروف می‌شوند که پس از ترک صحنه زندگی جایشان برآستی خالی می‌ماند، شادروان الهیار صالح (۱۳۶۰/۱/۱۲ - ۱۳۷۶) یکی از جمله آن افراد بود که بیش از شصت سال در سمت‌های گوناگون با نیکنامی تمام در شرایطی نه همیشه مساعد به جامعه خود خدمت و در قالب تفکرات ملی گرایی و وطن دوستی معروفیت استثنایی پیدا کرد. شادروان صالح در حالیکه دیپلم خود را از مدرسه امریکاییها با مدیریت مرحوم جردن و با درجه ممتاز اخذ کرده و شدیداً علاقمند به ادامه تحصیل و کسب درجات عالی دانشگاهی بود به سبب نیاز مالی در سفارت امریکا استخدام شد و از آغاز کار با حفظ کامل شخصیت ایرانی و شرافت ملی به مدت ده سال در آن سفارت کار کرد و در موارد بسیاری از منافع وطن خود دفاع نمود (البته در آن تاریخ سیاست آمریکا در ارتباط با ایران مانند ابرقدرتهای استعمارگر نبود). مرحوم صالح به علت همان علاقه و احترام به احساسات ملی خود پس از ده سال کار در سفارت آمریکا و داشتن مزایا و موقعیت خوب، آنگاه که مرحوم علی اکبر داور مشغول سازندگی و اصلاحات اساسی در دادگستری (عدلیه قدیم) بود و به علت آشنایی با خصوصیات او از ایشان برای همکاری دعوت به عمل آورده بود از خدمت در سفارت به اصرار خود استعفا داده و با حقوق خیلی پایین تر ولی رضایت خاطر همکاری با داور را پذیرفت بعد از خدمت در دادگستری جدید مرحوم صالح تا ایام بازنشستگی در پستهای معاونت وزیر، وزارت، سفارت و نمایندگی مجلس شورای ملی با نیکنامی و محبوبیت ویژه خدمت نمود.

این شخصیت ملی و ممتاز، پس از تاسیس حزب ایران در سالهای بعد از ۱۳۲۰ به وسیله تعدادی از جوانان پرشور و تحصیلکرده، چون آرمان خود را با برنامه و هدفهای آن جوانان یکی دید به حزب ایران پیوست و در واقع از مؤسسين آن حزب به حساب آمد. زنده یاد صالح در تشکیلات حزب و چندی بعد در سازمان جبهه ملی غالباً بالاترین سمت‌ها را داشت و به علت شیخوخت مورد احترام همگان بود.

الهیاری صالح رییس کنگره جبهه ملی ایران در سال ۱۳۴۱ و همچنین رییس هیئت اجراییه جبهه ملی بود مرحوم صالح خاطرات روزانه خود را از بدو ورود به سفارت آمریکا تا رفتن به وزارت دادگستری با دقت تام نوشته و مسایل و وقایع مهم را در آن یادداشت‌های خود آورده بود اما از آنجا که در آن دوران نیز مانند امروز جو سیاسی، مختنق و اعتمادی به «بقای بعد از بیان» نبود روزی منزل را خالی از اغیار نموده و دفاتر تنظیم گشته طی ده سال را در وضع روحی و نگرانی خاصی آتش زد و بر خاکستر یادداشت‌ها خیره ماند. خیره به واقعه‌ای که فقط تیغ خونریز استبداد و عدم امنیت عامل اصلی آن است...

موضوع آزادمندی و اعتراف و اقرار به اشتباهی که احتمالاً صورت گرفته از صفات بارز آن انسان نجیب به شمار می‌رود زیرا قبول مسئولیت و اقرار به اشتباه شهادت خاصی لازم دارد که نزد مشایخ شهر این نشان را کمتر سراغ داریم. روانش شاد و یادش گرامی باد.

## درگذشت زنده نام نصرت الله امینی

جبهه ملی ایران درگذشت زنده یاد نصرت الله امینی، یکی از چهره‌های برجسته نهضت ملی ایران و از یاران نزدیک و مورد اعتماد مصدق بزرگ را به ملت ایران و خانواده گرانقدر ایشان تسلیت می‌گوید.

زنده یاد نصرت الله امینی در دولت مصدق، نخست به سمت بازرسی نخست وزیری و سپس به عنوان شهردار تهران برگزیده شد و هنوز به علت خدمات ارزنده و ماندگارش بهترین شهردار تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. وی همچنین وکیل خصوصی دکتر مصدق و یکی از وصی‌های او بود. نصرت الله امینی عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران بود و در کنگره ۱۳۴۱ جبهه ملی ایران نیز به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی انتخاب شد. پس از انقلاب ۵۷ در دولت موقت استانداری فارس شد و در همان زمان بود که در برابر خلخالی که قصد داشت با بولدورز تحت جمشید را ویران کند، ایستاد و به نیروهای نظامی فارس آماده باش داد تا از این اقدام ضد بشری جلوگیری کند. یادش گرامی و روانش شاد باد.

تهران ۱۳۸۸/۲/۱ - شورای مرکزی جبهه ملی ایران

ادیب برومند، دکتر لقا اردلان، بانو فرشید افشار، مهندس عباس امیر انظام، دکتر داود هرمیداس باوند، مهندس مرتضی بدیعی، دکتر جهان‌شاه برومند، عیسی خان حاتمی، مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی، دکتر پرویز دبیری، جمال درودی، غلامرضا رحیم، دکتر علی رشیدی، حسین راضی، مهندس کورش زعبی، دکتر خسرو سعیدی، حسین شاه حسینی، حسن شهیدی، مهندس حسین عزت زاده، اصغر فتی پور، سرلشکر بازنشسته ناصر فرید، دکتر محسن فرشاد، حسن قدیانی، دکتر باقر قدیری اصلی، پرچمپهر مشیری، هرمز ممیزی، منوچهر ملک قاسمی، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی موید زاده، دکتر علی اکبر نقی پور، ابوالفضل نیماوری